

توسعه روزافزون و پیچیدگی فزاینده ساختارهای اقتصادی و نیز ناکافی بودن ظرفیت نهادها و مؤسسات دولتی در اداره و پیش‌برد شایسته برنامه‌ها، موجب شده است تا مراجع برنامه‌ریزی در صدد بکارگیری توانایی‌های گسترده و قابل توجه منابع غیردولتی برآیند.

تجربه‌های ناشی از عدم موفقیت نظام‌های اشتراکی در ابعاد خرد و کلان اقتصادی از یک سو و موفقیت‌های حاصل از بکارگیری مشارکت بخش‌های غیردولتی در برخی از کشورها از سوی دیگر، اهمیت و لزوم توجه به این نگرش را دو چندان ساخته است، لذا با نگاهی گذرا به پیکره برنامه‌های توسعه - به ویژه در کشورهای در حال توسعه - به رویکردهای گوناگونی که متأثر از شرایط ساختاری هر کشور و در راستای بکارگیری مشارکت‌های عمومی پیش بینی شده‌اند، برمی‌خوریم. در کشور ما نیز با اجرای نخستین برنامه پنج ساله، استراتژی آزادسازی اقتصادی به صورت جدی جریان یافت. با توجه به اهمیت بیمه در فعالیت‌های اقتصادی و نقش حیاتی آن در بحران‌های اقتصادی و اجتماعی، این بخش از اقتصاد نیز استفاده سازمان یافته از توانایی‌های بخش خصوصی را در صدر برنامه‌های خود قرار داد و در این راستا - به عنوان یکی از بخش‌های مهم اقتصادی و بنا بر اقتضای زمینه‌های خاص خود - محورهای ویژه‌ای را برای جلب مشارکت ابزارهای خصوصی پیش بینی نمود.

در تبیین اهمیت و ضرورت استفاده از توانایی‌ها و مشارکت بخش غیردولتی در فعالیت‌های صنعت بیمه، نکات حایز اهمیتی وجود دارد. شاید بتوان ادعا نمود، یکی از بزرگترین مشکلاتی که در حال حاضر فراروی توسعه



سرمقاله

آزاد سازی!

چرا

و

چگونه؟



بیمه در کشور وجود دارد، عدم آشنایی مردم با فرهنگ بیمه است. ایجاد مشارکت و توسعه دامنه فعالیت‌های صنعت بیمه به بخش غیردولتی، ضمن بهسازی شرایط گسترش دانش فنی لازم، زمینه‌های بسط فرهنگ بیمه را فراهم خواهد ساخت.

گشوده شدن درهای مشارکت و واگذاری فعالیت‌ها به بخش غیردولتی، ضمن جذب و سازماندهی بهینه بخش‌هایی از سرمایه‌های داخلی و خارجی، ترکیب لازم برای افزایش تقاضا، بهبود نرخ‌ها و خدمات و نیز ایجاد بازار مطلوب سرمایه و خدمات را شکل می‌دهد. توسعه بازار سرمایه نیز از نظر تأمین منابع مالی و کفایت سرمایه، شرکت‌های بیمه را در موقعیت بهتری قرار داده و به تبع قابلیت بیمه‌پذیری و مدیریت خطر آنان را افزایش خواهد داد.

در یک تحلیل کلی می‌توان از ساختار سازمانی، نیروی انسانی و دانش فنی به عنوان ابعاد ترکیب مثلثی شکل صنعت بیمه نام برد. بررسی‌ها نشان می‌دهند هر سه ضلع این مثلث متأثر از نظام دولتی، فاقد شرایط لازم برای توسعه مطلوب می‌باشند. بدیهی است حصول هرگونه تغییر اساسی و حرکت شایسته به سمت توسعه این ترکیب، مستلزم رفع محدودیت‌های حاکم بر آن می‌باشد.

اشاره‌های فوق ضرورت و اجتناب‌ناپذیر بودن بکارگیری ابزارهای خصوصی در صنعت بیمه را روشن می‌سازند. اما اجرای سیاست‌های آزادسازی نیز تحت تأثیر ساختارهای اقتصادی و اجتماعی با موانع و مشکلاتی روبرو خواهد بود.

نخستین مسأله تطابق اقدامات آزادسازی با دیدگاه‌های سیاسی و فکری جامعه است که در بستری تاریخی فراهم آمده‌اند. چنانچه فعالیت‌های آزادسازی اقتصادی با دیدگاه‌ها و الگوهای کلان حاکم بر جامعه سازگاری نداشته باشند، عملاً

هرگونه اقدام در این رابطه بی‌نتیجه خواهد ماند. دومین سنخ از موانع فراروی آزادسازی صنعت بیمه مقاومت ساختارهای اجتماعی و فرهنگی است. از آنجا که در طول سال‌های حیات این صنعت، باورها و هنجارهای مرتبط با آن - متأثر از فضای ایدئولوژیک حاکم بر جامعه - در ترکیب‌ها و ساختارهای فرهنگی و اجتماعی جامعه جای گرفته‌اند، لذا به لحاظ ساختاری در برابر تغییرات و دگرگونی‌های جدید مقاومت خواهند نمود.

نارسایی‌های ناشی از نظام اقتصادی جامعه، سومین سنخ از مشکلات مذکور را تشکیل می‌دهند. این گروه از موانع نیز که در قالب مفاهیم عدم امنیت اقتصادی، تزاخم سیاست‌های مالیاتی، کمبود سرمایه و سرمایه‌گذاری، بی‌ثباتی و نوسانات اقتصادی، ساختار اداری مؤسسات اقتصادی و قوانین و مقررات ناسازگار و... مطرح می‌باشند، ایجاد روابط جدید را با محدودیت‌هایی مواجه می‌سازند.

بر اساس مطالعات انجام شده آزادسازی صنعت بیمه و بهره‌برداری هوشمندانه از ابزارهای خصوصی در آن تنها راه توسعه مطلوب این بخش از اقتصاد است. لذا می‌بایست حرکتی برنامه‌ریزی شده و سیستمی و برخوردار از حمایت مراجع عالی با مشارکت بخش‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مرتبط در جهت ایجاد تغییرات لازم در ساختار صنعت بیمه صورت پذیرد.

امید آن که با بهبود بسترهای فعالیت صنعت بیمه در آینده، شاهد شکوفایی و توسعه بیش از پیش آن که در واقع تحقق مجموعه‌ای کارا برای حمایت از اقشار آسیب‌پذیر جامعه، حمایت از طرح‌ها و پروژه‌های اقتصادی و اجتماعی و در واقع حرکت به سمت اهداف توسعه انسانی است، باشیم.

